

فصلنامه تاریخ اسلام

سال سیزدهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۱، شماره مسلسل ۴۹

بررسی تاریخی حقوق بشر دوستانه در جنگ‌های پیامبر ۶

تاریخ دریافت: ۹۰/۸/۱۶

تاریخ تأیید: ۹۱/۲/۹

حمیدرضا مطهری*

رعایت حقوق زنان، کودکان، سال‌خوردگان و افراد ناتوان یکی از نکات مهم در جنگ است که از آن با عنوان حقوق بشر دوستانه «*Humanitarian law*» یاد می‌شود. در عصر حاضر سازمان‌ها، گروه‌ها و برخی از افراد در نقاط مختلف جهان تحت این عنوان فعالیت می‌کنند. شناخت جایگاه این قانون در اسلام و تبیین مفاد آن در سیره نبوی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا رعایت اصول جوان‌مردانه، خودداری از روش‌های غیر متعارف در جنگ، حمایت از زنان و کودکان، حفاظت از افراد ناتوان و سال‌خورده و منع به کارگیری سلاح‌های مخرب از نکات مهمی هستند که در قوانین امروزی بر آنها تصریح می‌شود و این موارد در سیره نبوی نیز مورد تأکید قرار گرفته و اجرایی شده‌اند. این نوشتار بر آن است تا با نگاهی به جنگ‌های عصر نبوی و بررسی توصیه‌های آن حضرت ۶ درباره گروه‌های ناتوان یا خارج از جنگ، راهکارهای پیامبر ۶ برای حفاظت از آنان را تبیین کند و به این پرسش پاسخ دهد که سیره رسول خدا ۶ درباره زنان، کودکان و افراد ناتوان دشمن در

* عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

جنگ‌ها چگونه بود؟

واژه‌های کلیدی: رسول خدا 6، حقوق بشر دوستانه، زنان، کودکان، محیط زیست.

مقدمه

یکی از اصطلاحاتی که امروزه در عرصه بین‌الملل خودنمایی می‌کند، واژه حقوق بشر دوستانه «Humanitarian law» است. این واژه با واژه حقوق بشر «Human Rights» متفاوت دارد و درگیری‌های مسلحانه را در بر می‌گیرد؛ بر این اساس «حقوق جنگ» یا «حقوق مخاصمات مسلحانه» نیز نامیده شده است.^۱

خلاصه پیام حقوق بشر دوستانه بین‌المللی آن است که افرادی که در جنگ و درگیری شرکت ندارند یا دست از جنگ کشیده‌اند نباید مورد حمله قرار گیرند و نیز سلاح‌هایی که نظامیان را از غیر نظامیان تفکیک نمی‌کنند یا خسارت و آسیب‌های غیرضروری به بار می‌آورند نباید مورد استفاده قرار گیرند.^۲

این قانون در عرصه بین‌الملل تازگی دارد و این واژه اصطلاحی جدید است که از سوی برخی از سازمان‌ها و فعالان حقوق بشر و افراد صلح طلب وضع شده است اما مفاد و محتوای آن، ریشه در فطرت بشر و ادیان الهی دارد. نگاهی به سیره نبوی و تعالیم آسمانی پیامبر خدا 6 بیان‌گر آن است که این قوانین قرن‌ها پیش از سوی پیامبر رحمت و مهربانی 6 ابلاغ و اجرا شده است.

رعایت حقوق زنان، کودکان، سال‌خوردگان، افراد ناتوان، مجروحان، اسیران، توجه به محیط زیست و حتی ممنوعیت به کارگیری سلاح‌های کشتار جمعی که امروزه از همه این موارد با عنوان حقوق بشر دوستانه بین‌المللی «international humanitarian law» یاد می‌شود، بیش از هزار و چهارصد سال پیش از جانب حضرت محمد 6 توصیه و بر اجرای آن تأکید شده است. پیامبر اکرم 6 همواره بر

رفتار انسانی در جنگ‌ها تأکید داشتند و فرمان‌های آن حضرت **۶** از نخستین لحظات آغاز نبرد تا مراحل پایانب و حتی پس از جنگ را در بر می‌گرفت. در این پژوهش می‌کوشیم تا سیره نبوی را در برخورد با افراد ناتوان سپاه دشمن در جنگ‌ها بررسی و تبیین کنیم و به این پرسش پاسخ دهیم که رفتار پیامبر **۶** با زنان، کودکان و افراد ناتوان دشمن شکست خورده، چگونه بوده است؟ و ایشان چه توصیه‌هایی در این باره دارند؟

الف) رعایت اصول جوان مردانه

یکی از نکاتی که در قوانین امروزی جنگ‌ها دیده می‌شود، رعایت اصول جوان مردانه و خودداری از به کارگیری راه‌های غیر متعارف است. بر اساس کنوانسیون ژنو و پروتکل‌های الحاقی آن، نظامیان در زمان حمله و قبل از آن، باید با پوشیدن پونیفورم یا با استفاده از سایر علامت‌های خاص، خود را از افراد غیر نظامی متمایز کنند. هم چنین کشتن و مجروح یا اسیر کردن افراد دشمن با توسل به نیرنگ ممنوع است.^۳

نگاهی به عصر نبوی و رخداد‌های آن زمان نشان می‌دهد که حضرت محمد **۶** قرن‌ها پیش از این با دستورالعمل‌های خاص، قوانین ویژه‌ای را در این راستا اعمال می‌کردند. ایشان حمله ناگهانی و شبیخون زدن را منع کرده و همواره بر دعوت پیش از جنگ تأکید می‌نمودند. ابن عباس در این باره می‌گوید:

رسول خدا **۶** با هیچ قومی نجنگید، مگر این که ابتدا آنها را دعوت نمود

و به آنها اعلام کرد.^۴ از امام صادق نیز روایت شده.

رسول خدا **۶** به هیچ گروهی شبیخون نزدند.^۵

پیامبر **۶** بر جنگ رویارو و پرهیز از به کارگیری مکر و حيله در جنگ با دشمن تأکید داشتند و از جنگ غافل‌گیرانه منع می‌کردند. چنان که پس از اعزام امیرالمؤمنین

حضرت علی به یکی از سریه‌ها، شخصی را در پی آن حضرت فرستادند و تأکید کردند از رو به رو با دشمن مقابله کن و مبادا از پشت‌سر به او حمله کنی و در ادامه فرمودند: ابتدا آنها را دعوت کن و یا به آنها اعلام کن تا جنگ غافل‌گیرانه نباشد.^۶

در غزوه خیبر نیز هنگامی که پرچم را به امام علی سپردند و آن حضرت را عازم نبرد کردند در پاسخ ایشان که پرسید: با آنها بجنگم تا مسلمان شوند؟ فرمود: ابتدا آنها را به اسلام دعوت کن و در ادامه فرمودند: اگر یک نفر به دست تو مسلمان شود برای تو از شتران سرخ موی بهتر است.^۷

در آن زمان یونیفورم مخصوص نظامیان وجود نداشت و تفاوتی میان لباس آنان با غیر نظامیان دیده نمی‌شد، اما رسول خدا 6 با به کارگیری راهکارهای خاص تلاش می‌کردند افراد غیرنظامی را از نظامیان تفکیک کنند و آنها را از معرکه دور نگه دارد. به عنوان نمونه پیامبر اکرم 6 هنگام فتح مکه برای حفظ غیرنظامیان اقداماتی ویژه انجام دادند. از جمله آن که آن حضرت 6 سپاهیان را در کوه‌های اطراف مکه مستقر کرد و دستور داد در نقاط مختلف آتش‌های فراوانی برافروختند.^۸ و با این روش به مکیان پیغام دادند که مقاومت فایده‌ای ندارد و بهتر است برای حفظ جان و مال خود از جنگ و درگیری بپرهیزند و دیگر آن که به ساکنان شهر اعلام کردند هر کس در خانه خود بماند در امان است.^۹

این امتیازی بود برای غیرنظامیان تا با ماندن در خانه‌های خود، جان خویش را حفظ کنند و آخرین اقدام پیامبر 6 هنگام ورود به مکه این بود که با دادن پرچم به عنوان نماد نظامیان به دست برخی از فرماندهان و روانه کردن سپاهیان به دنبال آنان، نظامیان خود را از غیر نظامیان تفکیک کردند.^{۱۰} حتی برخی از فرماندهان که این روز را روز انتقام دانسته و با این شعار وارد مکه می‌شدند از سوی رسول خدا 6 برکنار گردیدند.^{۱۱}

ب) رعایت حقوق زنان و کودکان

زنان و کودکان همواره مهم‌ترین قربانیان جنگ‌ها بوده‌اند. این امر باعث شد تا عده‌ای با اندیشه حمایت از آنان به تدوین قوانینی برای حمایت از این گروه پرداختند و سازمان‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی نیز به دفاع از آنها برخاستند، اما هم‌چنان این گروه و قوانین مربوط به آنها مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرد و قدرت‌های سلطه‌جو هیچ‌گونه تعهدی برای رعایت و اجرای این قوانین ندارند و به سادگی آنها را زیر پا می‌گذرانند و هم‌چنان زنان و کودکان قربانیان اصلی جنگ‌ها به شمار می‌روند.

مطالعه سیره نبوی نشان می‌دهد پیامبر خدا **ﷺ** به حقوق زنان و کودکان توجه ویژه می‌نمودند و همواره بر عدم تعرض به این گروه و رعایت حال و حقوق آنها توجه و تأکید داشتند. حضرت محمد **ﷺ** هنگام اعزام سپاهیان به نبردهای مختلف در کنار توصیه‌های جنگی و نظامی، سفارش می‌کردند که از کشتن زنان و کودکان پرهیز کنند.^{۱۲} ایشان هرگاه تعرض به زنان و کودکان را می‌دیدند با آن برخورد می‌نمودند و فرد متخلف را بازخواست می‌کردند. چنان که در یکی از جنگ‌ها، پس از گذشتن بخشی از سپاهیان به فرماندهی خالد بن ولید، جنازه زنی پیدا شد که به دست او کشته شده بود.

پیامبر **ﷺ** از دیدن آن صحنه، به شدت ناراحت شدند و از قاتل او پرسیدند. به آن حضرت **ﷺ** گفتند که خالد بن ولید او را کشته است. رسول خدا **ﷺ** کسی را به دنبال خالد فرستادند و ضمن توبیخ او تأکید کردند که از کشتن زنان و کودکان پرهیزند.^{۱۳} هم‌چنین در یکی از غزوات، برخی از مسلمانان پس از پیروزی بر مشرکان می‌خواستند بچه‌های آنها را بکشند اما پیامبر **ﷺ** از این عمل جلوگیری کرد و در جواب اصحابی که می‌گفتند: مگر این‌ها فرزندان مشرکان نیستند، با اشاره به سابقه اصحاب خود و این که آنها (اصحاب) نیز فرزندان مشرکان بوده‌اند فرمودند:

هر انسانی بر فطرت پاک انسانی متولد می‌شود و این پدر و مادر او هستند که او را یهودی یا نصرانی می‌کنند.^{۱۴}

پیامبر ۶ علاوه بر جلوگیری از کشتن زنان و کودکان، اقدامات حمایتی خاصی نیز برای بهبود وضعیت و رهایی ایشان از اسارت انجام می‌دادند. یکی از جالب‌ترین سیاست‌های پیامبر ۶ و رفتار انسان دوستانه آن حضرت ۶ را می‌توان در برخورد با اسیران و تلاش برای آزادی زنان و کودکان اسیر مشاهده کرد.

اقدامات رسول خدا ۶ درباره زنانی که اسیر شده بودند و مطابق قوانین جنگ‌های آن زمان باید به عنوان کنیز در اختیار نیروهای پیروز قرار می‌گرفتند، نشان دهنده توجه ویژه آن حضرت ۶ به زنان است، آن هم در زمانی که هیچ قانونی درباره جنگ‌ها و حقوق انسان‌ها به ویژه اسیران جنگی وجود نداشت.

در غزوه بنی‌المصطلق که در سال ششم هجری اتفاق افتاد، تعداد زیادی از زنان و کودکان این قبیله به اسارت مسلمانان درآمدند که یکی از آنها جویریّه، دختر حارث رئیس قبیله بود.^{۱۵} این اسیران مطابق سنت‌های آن زمان به عنوان غنیمت به نیروهای پیروز تعلق گرفتند و باید فدیّه خود را می‌دادند تا آزاد می‌شدند و یا تمام عمر را در بردگی به سر می‌بردند.

رسول خدا ۶ برخلاف میل باطنی خود به دلایل متعددی نمی‌توانستند افرادی از دشمنان (مشرکان) را که در جنگ‌ها اسیر شده بودند از جمله زنان و کودکان را بلافاصله آزاد کنند، اما سیره آن حضرت ۶ در جنگ‌ها و دیگر مراحل زندگی از تلاش فراوان ایشان برای فراهم کردن زمینه آزادی آنان حکایت دارد. آن حضرت ۶ در این غزوه نیز هوش‌مندانه و با سیاستی مناسب، زمینه آزادی اسیران را که بیشترشان زنان و کودکان بودند، فراهم کردند.

پیامبر ۶ به جویریّه که در یافتن راهی برای آزادی خود بود پیشنهاد ازدواج داد تا در مقابل آن، پیامبر ۶ فدیّه‌اش را به عنوان مهر او بپردازد و جویریّه بلافاصله این

پیشنهاد را پذیرفت.^{۱۶} هدف و نیت رسول خدا **۶** از این اقدام و اهمیت آن زمانی روشن تر می شود که بدانیم تمام خانواده‌های اسیر بنی المصطلق، پیش از رسیدن کاروان مسلمانان به مدینه آزاد شدند و به گفته واقدی هیچ زنی از بنی المصطلق در مدینه نماند مگر آن که آزاد شد.^{۱۷} اعرابی که به قصد دستیابی به فدیة اسیران، گاه حاضر بودند به روی یک‌دیگر شمشیر بکشند، در پی این اقدام رسول خدا **۶** بدون هر گونه ناراحتی، اسرانی را که با این ازدواج، خویشاوند پیامبر **۶** به شمار می‌رفتند، آزاد کردند.

یکی دیگر از اقدامات رسول خدا **۶** برای آزاد سازی زنان و کودکان اسیر، پس از نبرد حنین و شکست قبیله بنی‌هوازن دیده می‌شود. بنی‌هوازن از قبایل قدرت‌مند و دارای شاخه‌های متعدد و در جنگ‌جویی شهره بودند. آنها پس از فتح مکه به وسیله پیامبر **۶** بر آن شدند که به مسلمانان حمله کنند و با جمع‌آوری جنگ‌جویان خود و تدارک سلاح آماده نبرد با مسلمانان شدند. بزرگان و فرماندهان آنها به منظور تحریک و جلوگیری از فرار جنگ‌جویان، اموال، زنان و کودکان هر عشیره را همراه سپاه حرکت دادند.^{۱۸}

پیامبر **۶** پس از شنیدن این خبر در شوال سال هشتم به سوی آنها حرکت کرد و در روز دهم همان ماه، وارد دره‌هایی شدند که بنی‌هوازن در بالای آنها کمین کرده بودند. آنها که منتظر سپاهیان پیامبر **۶** بودند، به یک‌باره بر مسلمانان هجوم بردند. این حمله ناگهانی، سپاه اسلام را در آستانه هزیمت قرار داد و اگر پایداری محدود مردانی از مسلمانان، چون امیرالمؤمنین حضرت علی نبود، شاید بنی‌هوازن می‌توانستند مسلمانان را از میان بردارند.

البته در این میان، چهار تن از زنان مسلمان نیز نقش مهمی در پیروزی مسلمانان داشتند. آنها با حلقه زدن بر گرد رسول خدا **۶** ضمن جلوگیری از آسیب دیدن آن حضرت **۶** باعث خجالت فراریان شدند. پایداری اینان و فراخوانی فراریان به وسیله افرادی چون عباس، بازگشت تدریجی مسلمانان را در پی داشت و در نتیجه کفه ترازوی

قدرت به سود مسلمانان تغییر یافت و به تدریج آثار شکست در بنی هوازن پدیدار گشت و ساعاتی بعد، تعداد زیادی از آنها و زنان و کودکانی که همراه داشتند به دست مسلمانان اسیر شدند.^{۱۹}

برخی از مسلمانان به سبب حمله غافل‌گیرانه مشرکان و شکست اولیه به شدت از اقدام بنی هوازن خشمگین شدند و به قصد انتقام جویی تصمیم به کشتن زنان و کودکان آنان گرفتند که رسول خدا ۶ ضمن آرام کردن آنها، درباره رعایت حال اسیران سفارش‌های فراوانی کردند.^{۲۰}

مهم‌ترین اقدام پیامبر ۶ در این راستا را می‌توان سیاست آن حضرت ۶ برای آزاد کردن اسیران بنی‌هوازن دانست که بیشتر زنان و کودکان بودند. پس از فرو نشستن آتش جنگ، عده‌ای از این قبیله نزد رسول خدا ۶ آمده و خواهان آزادی اسیران قوم خود شدند. از آنجا که بر اساس سنت‌های آن زمان، این اسیران غنیمت مسلمانان و حق آنها بود و پیامبر ۶ نمی‌خواستند حقی را به زور از مسلمانان بگیرند، اقدام ویژه‌ای انجام دادند که بر اساس آن، مسلمانان خود مبادرت به آزاد کردن زنان و کودکان اسیر بنی‌هوازن کردند.

رسول خدا ۶ به افراد بنی‌هوازن که برای شفاعت قوم خود آمده بودند، فرمود: من حق خود و فرزندان عبدالمطلب را به شما بخشیدم، پس از نماز ظهر برخیزید و خواسته خود را بدین صورت بیان کنید و بگویید: ما درباره زنان و فرزندانمان، رسول خدا ۶ را نزد مردم شفیع قرار می‌دهیم و مسلمانان را نزد پیامبر ۶. آنها نیز چنین کردند و رسول خدا ۶ بخشودگی سهم خود و بنی عبدالمطلب را اعلام کرد. این پاسخ، سایر مسلمانان (اعم از مهاجران و انصار) را به پیروی از تصمیم پیامبر ۶ وادار کرد و ابتدا مهاجران و سپس انصار، حق خود را به رسول خدا ۶ بخشیدند. تنها چند نفر از نومسلمانان حاضر

به بخشیدن سهم خود نشدند که پیامبر **۶** به آنها پیشنهاد کرد در مقابل هر اسیر، شش شتر دریافت و اسیران را آزاد کنند. آنها نیز پذیرفتند و بدین ترتیب تمام اسیران هوازن که بیشتر آنها زنان بودند، آزاد شدند.^{۲۱}

این گونه اقدامات رسول خدا **۶**، توجه آن حضرت **۶** به رعایت حال اسیران به ویژه زنان و کودکان را در جنگ‌ها نشان می‌دهد. آن هم در زمانی که نه تنها قانونی برای حمایت از این گروه نبود، بلکه حتی برای زنان آزاد نیز حقوق چندانی در جامعه وجود نداشت. اقدامات رسول خدا در این باره، مورد استناد و توجه امامان و رهبران شیعه قرار گرفته است و برخی احکام فقهی را بر مبنای آنها بیان کرده‌اند. چنان که امام صادق در پاسخ کسانی که از علت برداشته شدن جزیه از زنان پرسیده بودند، فرمود:

پیامبر از کشتن زنان و کودکان در دارالحرب نهی کرده و زمانی که کشتن

آنها در دارالحرب ممنوع باشد در سرزمین‌های اسلامی به طریق اولی این کار

ممنوع است و چون کشتن آنها ممنوع است جزیه هم از آنها گرفته نمی‌شود.^{۲۲}

رسول خدا **۶** نه تنها کشتن و اسارت زنان و کودکان را بر نمی‌تابید، بلکه با اهانت کنندگان به زنان و نیز کسانی که در پی بی‌احترامی به آنان بودند، برخورد می‌کرد و آنها را مجازات می‌نمود. چنان که شخصی به نام مائع را که از موالی خاله آن حضرت **۶** بود به سبب چنین رفتاری مجازات کرد. آن حضرت که شنید که مائع ضمن توصیف زیبایی بادیه، دختر غیلان برای خالد بن ولید یا عبدالله بن ابی امیه بن مغیره به تحریک آنان می‌پرداخت و می‌گفت: اگر فردا رسول خدا **۶** طائف را فتح کرد از بادیه دختر غیلان غفلت نکن. هنگامی که حضرت محمد **۶** این سخن او را شنید ضمن توبیخ و سرزنش او، وی را به نقطه‌ای دور از مدینه تبعید کرد.^{۲۳}

رعایت حرمت زنان در قوانین امروزی هم دیده می‌شود اما هیچ‌گونه ضمانت اجرایی ندارد و همواره زنان ملت‌های مغلوب قربانی هوس‌رانی قدرت‌ها می‌شوند. در حالی که

رسول خدا ۶ اهانت به زنان دشمن را بر نمی‌تافتند و به شدت با آن برخورد می‌کردند. اهتمام به رعایت حال زنان و کودکان در جنگ‌ها و توجه به حقوق آنها به اندازه‌ای در سیره نبوی و در گفتار و کردار دیگر معصومان اهمیت دارد که در کتاب‌های روایی و فقهی برای آن بابی مستقل با عنوان «نهی عن قتل النساء و الولدان» در نظر گرفته شده است.

ج) حمایت از افراد ناتوان و سال‌خورده‌گان

افراد ناتوان، پیران و سال‌خورده‌گان یکی از گروه‌های مورد حمایت در جنگ‌ها هستند که در سیره نبوی نیز به ایشان توجه می‌شود و بر رعایت حال آنان و افراد نابینا، علیل و دیوانگان و حتی افرادی که مجبور به حضور در میدان جنگ شده‌اند تأکید می‌گردد.

پیامبر ۶ هنگام اعزام سپاهیان تأکید می‌کردند که از کشتن افراد سال‌خورده، پیر و ناتوان بپرهیزند.^{۲۴} حفاظت از افراد زمین‌گیر، نابینا و دیوانه نیز در سفارش‌های حضرت محمد ۶ مورد توجه است و از آن با عنوان سنت نبوی تعبیر می‌شود و بر اساس آن، جزیه از این گونه افراد برداشته شده است. امام صادق در این باره می‌فرماید:

جرت السنه ان لا یؤخذ الجزیه من المعتوه و لا من المغلوب علیه عقه.^{۲۵}

سنت و روش پیامبر چنین بود که از کم‌خردان و دیوانگان جزیه دریافت

نمی‌کرد.

نکته‌ای بسیار مهم که تفاوت و امتیاز سیره معصومان را نسبت به قوانین امروزی نشان می‌دهد این است که به رعایت احترام زنان، کودکان و افراد ناتوان در قوانین امروزی به صورت کلی اشاره می‌شود، در حالی که در سیره معصومان، این گروه‌ها به صورت جزئی مورد تأکید قرار می‌گیرند و با به کار بردن واژگان مختلف از افراد هم‌گروه حمایت می‌شود. واژه‌های مانند ولید (نوزاد)، صبیان (کودکان)، طفل، اولاد و «شرخ» (نوجوان) از این موارد به کار رفته درباره کودکان هستند.

نکته‌ای دیگر درباره سیره نبوی این است که آن حضرت **۶** برای منع سپاهیان از آزار و کشتن افراد ناتوان علاوه بر آن که با صراحت به حقوق افراد اشاره می‌کردند و آنها را از نقض این حقوق بر حذر می‌داشتند، گاهی اوقات برای تأثیر بیشتر از ویژگی‌های انسانی و ادبیات عاطفی استفاده می‌کردند و سپاهیان را بر رعایت بیشتر حال افراد ناتوان ترغیب می‌نمودند. چنان‌که پیامبر **۶** در ضمن دستوراتش به سپاهیان می‌فرماید:

و استحيوا شیوخهم و صبیانهم.^{۲۶}

از سالخورده‌گان، پیران و کودکان (بچه‌های) آنها حیا کنید.

حیا واژه‌ای با بار عاطفی است و ارزشی انسانی را می‌رساند و رسول خدا **۶** به منظور تأثیر بیشتر و با عنایت به مفهوم ارزشی آن، این واژه را به کار برده است. در حالی که می‌توانست با عبارت «لا تقتلوا» منظور خود را بیان کند. چنان‌که موارد فراوانی از این قبیل مشاهده می‌شود.

د) نهی از نسل‌کشی

یکی از مواردی که از دیرباز در جنگ‌ها انجام می‌گرفت نسل‌کشی ملل مغلوب به دست نیروهای فاتح بود. در جهان امروز نیز، با این که قوانینی در منع نسل‌کشی وجود دارد، اغلب این قانون به وسیله فاتحان رعایت نمی‌شود. این امر، بیان‌گر ضعف قوانین است که ضمانت اجرایی ندارند و هر نیرویی که بتواند از رعایت آن طفره می‌رود، اما در سیره نبوی این نکته به تنها پذیرفته و بر آن تأکید شده است؛ بلکه خود آن حضرت **۶** آن را اجرا می‌کردند و خاطیان را مجازات و مؤاخذه می‌نمودند.

رسول خدا **۶** علاوه بر تأکید فراوانی که درباره جلوگیری از کشتن کودکان داشتند و با عبارت‌های مختلف حمایت خود را از آنها در تمام سنین از نوزادی تا نوجوانی اعلام کردند که این خود نشانه اهتمام آن حضرت **۶** بر جلوگیری از نسل‌کشی است در

مواردی نیز با صراحت از نسل‌کشی نهی کرده و با عبارت «ولا تقتلوا ذریه»^{۲۷} بر آن تأکید نمودند.

چنان که در یکی از جنگ‌ها، سپاهیان مسلمان پس از پیروزی به دلیل شدت فشاری که از ناحیه مشرکان بر آنان وارد شده بود در صدد کشتن بچه‌ها بودند. این خبر به رسول خد 6 رسید و ایشان ضمن اظهار ناراحتی و جلوگیری از این عمل فرمودند: چه چیزی به شما اجازه داده که به کشتن ذریه آنها اقدام کنید. یکی از اصحاب در پاسخ گفت: یا رسول الله آنها فرزندان مشرکان هستند. پیامبر 6 ضمن یادآوری سابقه اصحاب خود در شرک و این که آنان هم فرزندان مشرکان بودند فرمودند: «لا تقتل الذریه»^{۲۸}.

ه) منع به کارگیری سلاح‌های مخرب

امروزه یکی از مشکلات جامعه بشری در زمان وقوع جنگ‌ها، به کارگیری سلاح‌هایی است که با قدرت تخریبی بسیار زیاد، عده فراوانی را به کام مرگ فرو می‌برند و تفاوتی میان افراد نظامی و غیر نظامی نگذاشته و به همه کسانی که در معرض آنها قرار می‌گیرند آسیب می‌رسانند و آثار زیست محیطی آنها تا سال‌ها باقی می‌ماند.

این امر سبب توجه تدوین‌کنندگان حقوق مربوط به جنگ‌ها و گنجاندن موادی در قوانین برای جلوگیری از اشاعه و گسترش استفاده از این سلاح‌ها گردیده است. بر اساس یکی از قسمت‌های ماده ۲۳ مقررات لاهه که ناظر به جنگ زمینی است، به کارگیری سم و سلاح‌های سمی ممنوع است.^{۲۹} و بر اساس برخی مواد کنوانسیون ژنو، سلاح‌هایی که نظامیان را از غیر نظامیان تفکیک نمی‌کنند یا خسارت و آسیب‌های غیر ضروری به بار می‌آورند نباید مورد استفاده قرار گیرند.^{۳۰}

دسته‌ای دیگر از سلاح‌ها علاوه بر اثر مخربی که بر انسان‌ها دارند صدمات جبران‌ناپذیری نیز بر محیط زیست وارد می‌کنند به طوری که تا مدت‌ها آثار آن در منطقه باقی می‌ماند. از این رو ماده پنجاه و پنج پروتکل اول کنوانسیون ژنو با عنوان حفاظت از محیط

زیست طبیعی بر لزوم حفاظت از محیط زیست در برابر آسیب‌های گسترده در جنگ‌ها اشاره می‌کند و می‌گوید:

این حفاظت شامل ممنوعیت استفاده از روش‌ها یا وسایل جنگی می‌شود که منظور از آن وارد آوردن چنین آسیبی به محیط زیست طبیعی بوده، یا احتمال وارد آمدن چنین آسیبی می‌رود و در نتیجه به سلامتی یا بقای سکنه لطمه بزنند.^{۳۱}

در عصر نبوی چنین سلاح‌هایی وجود نداشت، اما با روش‌های مشابهی مانند پراکندن سم می‌شد به غیر نظامیان نیز خسارت وارد کرد. آن حضرت **۶** نه تنها از چنین روش‌هایی استفاده نکردند بلکه نیروهای خود را از انجام چنین کارهایی بر حذر می‌داشتند. امیرالمؤمنین حضرت علی در این باره می‌فرمایند:

پیامبر **۶** از القاء و پراکندن سم در سرزمین مشرکان جلوگیری کردند.^{۳۲}

هم‌چنین از به کارگیری شیوه‌هایی که آثار مخربی بر محیط زیست و ساکنان نواحی جنگ زده بر جای می‌گذاشت جلوگیری می‌کردند. یکی از روش‌های جنگی آن زمان این بود که طرف‌های درگیر جنگ برای مقابله و جلوگیری از پیش‌روی، دشمن زمین‌های پشت سر خود را اعم از مزارع و باغ‌ها می‌سوزاندند و چشمه‌های آب را تخریب می‌کردند. این روش که از آن با عنوان «سیاست زمین سوخته» یاد می‌شود، شیوه‌ای معمول بود اما پیامبر **۶** از این روش جلوگیری می‌کردند. چنان که هنگام اعزام لشکریان خود به آنها فرمودند:

از قطع و سوزاندن درختان خرما و دیگر درختان میوه دار و نیز از سوزاندن

مزارع بپرهیزید.^{۳۳}

پیامبر **۶** در روایت دیگری از قطع مطلق درختان نهی می‌کنند این فرمان‌های پیامبر **۶** از چند جهت اهمیت فراوانی دارد: نخست از جهت زیست محیطی؛ زیرا قطع

یا سوزاندن درختان و مزارع، خسارت‌های جبران‌ناپذیری به محیط زیست مانند زمین، هوا و جانداران منطقه وارد کند و دیگر آن که این اقدام موجب زیاد دیدن غیر نظامیان ساکن این نواحی می‌شود و کمبود منابع غذایی را به دنبال خواهد داشت.

نتیجه

یکی از برجسته‌ترین نکات زندگی پیامبر ۶، شیوه رفتار آن حضرت ۶ با دشمنان شکست خورده به ویژه افراد ناتوان، زنان و کودکان است که امروزه از آن با عنوان حقوق بشر دوستانه «Humanitarian law» یاد می‌شود و قوانینی در این باره تصویب شده است.

رسول خدا ۶ پیش از جنگ و پس از پیروزی به حقوق انسانی و بشر دوستانه توجه می‌کردند. ایشان پیش از جنگ همواره به یارانشان توصیه می‌کردند آغازگر جنگ نباشند، از شیبخون زدن به دشمن پرهیزند و در صورت پیروزی از تعرض به زنان، کودکان، افراد سال خورده و ناتوان خودداری کنند. در طول نبرد نیز مراقب بودند سپاهیان نسبت به حقوق این افراد تعرض نکنند و متخلفان را مؤاخذه می‌کردند. آن چنان که، هنگامی که در نبرد چنین با جنازه زنی مواجه شدند، قاتل او را شناسایی و توبیخ کردند و بر رعایت حال زنان و عدم تعرض به آنان تأکید نمودند.

آن حضرت ۶ پس از شکست دشمن نیز به بهترین شیوه از آنان حمایت می‌کردند و در شرایطی که زنان و کودکان مشرکان شکست خورده، غنیمت مسلمانان به شمار می‌رفتند به روش مناسبی زمینه آزادی آنان را فراهم می‌کردند. آزادی اسیران بنی المصطلق و بنی هوازن نمونه‌های آشکاری از این اقدام بشر دوستانه رسول خدا ۶ هستند که قرن‌ها پیش از وضع قوانینی در حمایت از این گروه‌ها، آن را سفارش کرده و انجام می‌دادند.

آن حضرت ۶ پس از غزوه بنی‌المصطلق ازدواج با جویریّه، دختر حارث، رئیس

قبیله زمینه آزادی تمام اسیران بنی المصطلق را فراهم کردند و مسلمانان همه اسیران این قبیله را به دلیل خویشاوندی با رسول خدا ﷺ آزاد کردند. پس از غزوه حنین با تدبیر خاصی زمینه آزادی اسیران را که بیشتر زنان و کودکان بودند، فراهم آوردند. ایشان، نمایندگان بنی‌هوازن را که خواهان آزادی اسیران خود بودند به بیان درخواستشان به هنگام نماز و اجتماع مسلمانان سفارش کردند و در آن هنگام نیز با بخشیدن سهم خود و بنی هاشم، مسلمانان را ترغیب به این کار نمودند و زمینه آزادی اسیران را فراهم کردند.

هم‌چنین رسول خدا ﷺ از به کارگیری سلاح‌های نامتعارف و نسل‌کشی در جنگ‌ها جلوگیری می‌کردند و با عبارتهای گوناگون، گروه‌های مختلف جامعه را مورد توجه قرار می‌دادند. بنابراین باید گفت که بررسی سیره نظامی پیامبر ﷺ بیان‌گر این واقعیت است که مسائلی که امروزه با عنوان حقوق بشر دوستانه مورد توجه جامعه انسانی قرار گرفته است، قرن‌ها پیش از جانب حضرت محمد ﷺ اجرا گردید.

پی‌نوشت‌ها

۱. دبیرخانه کمیته حقوق بشر دوستانه، رعایت حقوق بشر دوستانه بین‌المللی، چاپ اول، تهران: نشر سرسم، ۱۳۸۳، ص ۲۹.
۲. همان.
۳. محمد طاهر کنعانی و دیگران، حقوق بین‌الملل بشر دوستانه ناظر بر حمایت از افراد در درگیری‌های مسلحانه (مجموعه اسناد ژنو)، چاپ دوم، تهران: کمیته ملی حقوق بشر دوستانه، ۱۳۸۵، ص ۳۳۹.
۴. احمد بن محمد ابن سلمه، شرح معانی الآثار، تحقیق مسعد عبدالحمید محمد السعدنی، قاهره: دارالاطلاع، بی تا، ج ۳، ص ۲۰۷؛ محمد بن یوسف صالحی شامی، سبل الهدی و الرشاد فی سیرة خیر العباد، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۴ هـ / ۱۹۹۳ م، ج ۹، ص ۱۱۵.
۵. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ پنجم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳، ج ۵، ص ۲۸.
۶. ابن سلمه، پیشین.
۷. ابوبکر احمد بن الحسین البیهقی، دلائل النبوة و معرفة أحوال صاحب الشریعة، تحقیق عبدالمعطی قلعبجی، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۵ / ۱۹۸۵، ج ۴، ص ۲۰۵.
۸. محمد بن عمر واقدی، مغازی، تحقیق مارسدس جونس، چاپ دوم، بیروت: موسسه الاعلمی ۱۴۰۹ هـ / ۱۹۸۹ م، ج ۲، ص ۸۱۴؛ محمد بن سعد بن منیع الهاشمی البصری (م ۲۳۰)، الطبقات الکبری، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰ / ۱۹۹۰، ج ۲، ص ۱۰۲.
۹. عبدالملک ابن هشام، السیرة النبویة، تحقیق مصطفی السقا و دیگران، بیروت: دارالاحیاء

- التراث العربى، ۱۹۸۵ م، ج ۲، ص ۴۰۵؛ عزالدين ابوالحسن على بن ابى الكرم ابن اثير، *الكامل فى التاريخ*، بيروت: دارصادر، ۱۳۸۵ هـ / ۱۹۶۵ م، ص ۲۴۵؛ ابن سعد، *همان*، ص ۱۰۳.
۱۰. ابن هشام، *همان*، ص ۴۰۶؛ ابن اثير، *همان*، ص ۲۴۶.
۱۱. ابن هشام، *همان*، ص ۴۰۶؛ ابن اثير، *همان*.
۱۲. حرّ عاملى، *وسايل الشيعة*، چاپ دوم، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۴ هـ، ج ۱۵، ص ۵۸ - ۵۹.
۱۳. حارث ابن ابى اسامه، *بغية الباحث عن زوائد مسند الحارث*، تحقيق مسعد عبدالحميد محمد السعدنى، قاهره: دارالطلائع، بى تا، ص ۲۰۷.
۱۴. واقدى، *پيشين*، ج ۳، ص ۹۰۵؛ ابوالقاسم سليمان بن احمد طبرانى، *المعجم الكبير*، تحقيق حمدى عبدالمجيد السلفى، چاپ دوم، بيروت: دارالاحياء التراث العربى، ۱۴۰۴ هـ / ۱۹۸۴ م، ج ۱، ص ۲۸۴؛ صالحى شامى، *پيشين*، ج ۵، ص ۴۸۸.
۱۵. ابن هشام، *پيشين*، ج ۲، ص ۲۹۴.
۱۶. *همان*، ص ۲۹۵.
۱۷. واقدى، *پيشين*، ج ۱، ص ۴۱۲.
۱۸. ابن هشام، *پيشين*، ص ۴۳۷ - ۴۳۸.
۱۹. *همان*، ص ۱۳۱؛ واقدى، *پيشين*، ج ۳، ص ۹۰۴ - ۹۰۷.
۲۰. ابن هشام، *همان*، ص ۱۰۰.
۲۱. *همان*، ص ۴۹۱؛ واقدى، *پيشين*، ص ۹۵۱.
۲۲. حرّ عاملى، *پيشين*، ج ۱۵، ص ۶۴.
۲۳. واقدى، *پيشين*، ص ۹۳۳؛ عزالدين ابوالحسن ابن اثير، *اسدالغايه فى معرفة الصحابة*، بيروت: دارالفكر، ۱۴۰۹ هـ / ۱۹۸۹ م، ج ۴، ص ۲۲۹.
۲۴. ابن هشام، *پيشين*، ص ۴۵۸؛ واقدى، *پيشين*، ص ۹۱۲؛ محمد باقر مجلسى، *بحار الانوار*، چاپ ششم، بيروت: مكتبة المشتغل، ۱۹۸۱ م، ج ۱، ص ۶۰؛ كلينى، *پيشين*، ج ۵، ص ۲۹.

۲۵. حر عاملی، پیشین، ص ۶۵.
۲۶. در جای دیگر به جای صبیانهم واژه شرحهم آمده است: (شرح: نوجوان).
۲۷. ابن سلمه، پیشین، ج ۳، ص ۲۲۲.
۲۸. طبرانی، پیشین.
۲۹. دبیرخانه کمیته ملی حقوق بشر دوستانه، *حقوق بین‌الملل ناظر بر نحوه هدایت مخاصمات (مجموعه کنوانسیون‌های لاهه و برخی اسناد دیگر)*، ترجمه مهرداد رضاییان، چاپ سوم، تهران: نشر سرسم، ۱۳۸۳، ص ۳۱.
۳۰. محمد طاهر کنعانی و دیگران، پیشین، ص ۲۹.
۳۱. همان، ص ۳۴۹.
۳۲. حر عاملی، پیشین، ص ۶۲.
۳۳. مجلسی، پیشین، ج ۱، ص ۶۰؛ حر عاملی، پیشین، ص ۵۹.